



## THE ROLE OF LOVE AND HATRED EMOTIONS IN MORAL MOTIVATION WITH A VIEW TO VERSES AND HADITHS

(Received: 8 August 2021 / Accepted: 25 August 2021)

Mehdi Abdollahipour<sup>1</sup>

Akram Rahimi<sup>2</sup>

### ABSTRACT

The purpose of this study is to identify the role of love and hatred emotions as the two sensual characteristics of human beings in moral motivation. Love means the gentleness of the human soul with something, and as a result, being attracted to it, and hatred means that the human soul is not gentle with something, and as a result, abhorring it. Moral motivation is the force that drives us to moral behavior. In this research, with analytical and rational method, the narrations and verses of the Holy Quran as well as moral and psychological books have been searched and materials related to this subject have been collected. Findings showed that cognition is not enough to create moral motivation, rather, emotions such as affection and abhorrence are needed, and however, love and hatred in order to create moral motivation must have circumstances such as the necessity of the two accompanying each other and their attachments to anything for the sake of God. In the end, the effects of love and hatred were expressed, including obedience to God, satisfaction with His judgment, and friendship with Him.

**KEYWORDS:** Affection, Abhorrence, Moral Motivation, Love, Hatred

---

1- Assistant Professor, University of Holy Quran Sciences and Teachings, Qom, Iran, (Corresponding Author). [abdollahipour@yahoo.com](mailto:abdollahipour@yahoo.com)

2- Master's degree, Quranic sciences, literary orientation, Holy Quran University of Sciences and Teachings, Qom, Iran. [Rahimi2216@gmail.com](mailto:Rahimi2216@gmail.com)

## نقش هیجان های حبّ و بغض در انگیزش اخلاقی با نگرشی به آیات و روایات

(تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۵/۱۷ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۶/۳)

مهدی عبدالهی پور<sup>۱</sup>، اکرم رحیمی<sup>۲</sup>

### چکیده

هدف پژوهش حاضر شناساندن نقش هیجان‌های دو ویژگی نفسانی انسان، حبّ و بغض در انگیزش اخلاقی است. حبّ به معنای ملایمت نفس انسان با چیزی و در نتیجه، جذب شدن به سمت او و بغض به معنای عدم ملایمت نفس انسان با چیزی و در نتیجه، نفرت داشتن از او است. انگیزش اخلاقی نیرویی است که ما را به سمت رفتار اخلاقی سوق می‌دهد. در این تحقیق، با روشی تحلیلی و عقلی، روایات و آیات قرآن کریم و همچنین کتب اخلاقی و روان‌شناسی جست‌وجو شده و مطالبی در ارتباط با این موضوع گردآوری شده است. یافته‌های پژوهش نشان داد که شناخت برای ایجاد انگیزش اخلاقی کافی نیست و به هیجان‌هایی نظیر حبّ و بغض هم نیاز است، اما حبّ و بغض برای این که انگیزش اخلاقی را ایجاد کنند باید دارای شرایطی باشند که از آن جمله ضرورت همراهی آن‌ها با یکدیگر و تعلق آن‌ها به متعلق‌تشان به خاطر خدا است. در پایان هم آثار حبّ و بغض بیان شد که از آن جمله اطاعت از خدا، رضای به قضای او و انس و الفت با او است.

**واژگان کلیدی:** حبّ، بغض، انگیزش اخلاقی، عشق، نفرت

۱- استادیار، دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، قم، ایران، (نویسنده مسئول). [abdollahipour@yahoo.com](mailto:abdollahipour@yahoo.com)

۲- دانشجوی کارشناسی ارشد، رشته علوم قرآنی گرایش ادبی، دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، قم، ایران.

[rahimi2216@gmail.com](mailto:rahimi2216@gmail.com)

## مقدمه

هسته مرکزی سعادت، اخلاق است. اگر تمامی فعالیت‌ها و تلاش‌های انسان را در یک کفه ترازو قرار دهیم و اخلاق را نیز در کفه دیگر، به یقین ارزش اخلاق بسیار بیشتر خواهد بود (اسدی گرمارودی، ۱۳۸۹: ۱۲۰). مطابق تعریف مشهور، اخلاق عبارت از صفات نفسانی راسخ و پایداری است که موجب می‌شوند افعالی متناسب با آن صفات به سهولت و بدون نیاز به تأمل و تروی از آدمی صادر شود (ابن مسکویه، ۱۳۶۶: ۵۱). طبق این تعریف، اخلاق را می‌توان به خوب و بد تقسیم کرد که در واقع هدف انسان در زندگی نیل به اخلاق نیکو است. در علم اخلاق مباحث متعددی مطرح است که یکی از مهم‌ترین آن‌ها، راه رسیدن به رفتار اخلاقی یعنی تقید به فضایل و اجتناب از رذایل است. دین مقدس اسلام برای اخلاق اهمیتی فوق‌العاده‌ای قائل شده و آن را اساس نجات و رستگاری انسان معرفی کرده است. قرآن کریم در سوره شمس بعد از یازده قسم بسیار مهم و پیاپی با تأکید می‌فرماید که همانا کسی که دل و جان خود را از بدی‌ها پاک کرد، رستگار شد و آن که روح و جان خود را در زشتی‌ها و رذایل اخلاقی رها ساخت، بدبخت شد (شمس: ۱۰ و ۱۱). نظریه‌های اخلاقی همان‌گونه که باید درباره گزاره‌های اخلاقی به سنجش و داوری پردازند، وظیفه تبیین اخلاق در حوزه عمل را نیز دارا هستند؛ یعنی باید توضیح دهند که چگونه یک تئوری اخلاقی به عمل منجر می‌شود و چرا انسان‌ها برای انجام یک عمل اخلاقی برانگیخته می‌شوند؟ انگیزش به فرآیندهایی مانند نیاز، شناخت، هیجان، و رویدادهای بیرونی گفته می‌شود که به رفتار، نیرو و جهت می‌دهند (مارشال ریو، ۱۳۸۷: ۷۰). انگیزش اخلاقی نیز به معنای برانگیخته شدن برای انجام فضایل اخلاقی و اجتناب از رذایل اخلاقی است. به تعبیر دیگر، انگیزش اخلاقی نیرویی است که ما را به سمت رفتار اخلاقی سوق می‌دهد. مکاتب مختلف به جنبه‌های متفاوت وجودی انسان اعم از عاطفی، شناختی، رفتاری و... توجه کرده و با توجه به آن جنبه، منبعی را برای ایجاد این نیروی محرکه برای انجام اعمال اخلاقی معرفی کرده‌اند. بعضی از روان‌شناسان، پایه اصلی را شناخت و قضاوت‌های اخلاقی می‌دانند. برخی نیز بر تأثیر جنبه‌های عاطفی بر انگیزش اخلاقی تأکید کرده‌اند. عده‌ای بر مشاهده، تقلید و شرطی‌سازی تأکید کرده‌اند و عده‌ای هم برای هر کدام از شناخت و عاطفه سهمی قائل شده‌اند (هیلگارد و دیگران، ۱۳۹۹: ۲۵۵-۲۷۶). اسلام نیز که کامل‌ترین مکتب برای دستیابی انسان به سعادت است، مستثنای از مکاتب فوق نیست. اسلام همان‌گونه که باید‌ها و نبایدهای اخلاقی را برای

انسان‌ها بیان فرموده، به تبیین نحوه برانگیخته شدن انسان برای انجام یک فعل اخلاقی نیز توجه کرده است تا انسان‌ها بتوانند با توجه به این رهنمودها، متخلّق به این بایدها و نبایدها شوند و به هدف نهایی که مدنظر دین اسلام است، نایل شوند. اسلام در بُعد عاطفی، موارد متعدّدی را برشمرده است که بر انگیزش اخلاقی تأثیرگذار هستند که می‌توان به هیجان‌های حبّ و بغض (عشق و نفرت) به‌عنوان مهم‌ترین آن‌ها اشاره کرد. قرآن کریم مهم‌ترین منبع برای فهم مکتب اسلام است که در این زمینه می‌توان از آیات آن به خوبی استفاده کرد. روایات هم اشارات متعدّدی در رابطه با نقش حبّ و بغض در انگیزش اخلاقی دارند. بنابراین در پژوهش حاضر به دنبال پاسخ به این پرسش هستیم که نقش هیجان‌های عشق و نفرت در انگیزش اخلاقی چیست؟ این که آیا اصلاً به حبّ و بغض برای ایجاد انگیزش اخلاقی نیاز است؟ اگر نیاز است، حبّ و بغضی که می‌خواهند انگیزش اخلاقی ایجاد کنند، باید دارای چه ویژگی‌هایی باشند؟ و در نهایت، آثار و فواید حبّ و بغضی که می‌توانند انگیزش اخلاقی ایجاد کنند، چیست؟

درباره پیشینه این تحقیق باید گفت گرچه این بحث پیشینه‌ای به قدمت اندیشه بشر دارد و می‌توان مطالبی را درباره این موضوع در کتاب‌های آسمانی گذشته و همچنین در کتاب‌های به‌جای مانده از فلاسفه یونان پیدا کرد، اما به تازگی بحث انگیزش اخلاقی به صورت ویژه در حیطه مشترک روان‌شناسی و اخلاق مطرح شده است. این بحث به طور عام در کتاب‌های زیادی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است، اما محققان معمولاً این بحث را به صورت گذرا در کتاب‌های خود آورده‌اند. تحقیق‌های متعدّد و ارزشمندی در ارتباط کلی با موضوع مورد بحث در قالب کتاب، مقاله، پایان‌نامه و... صورت گرفته است؛ به عنوان مثال، یدالله کوثری تحقیقی در باب تحلیل روان‌شناختی حبّ و بغض انجام داده است (۱۳۸۶)؛ همچنین محمدجواد دکامی و سیدحسن اسلامی اردکانی به بررسی حبّ و عشق الهی و نقش آن در انگیزش اخلاقی از نگاه ابوحامد غزالی پرداخته‌اند (۱۳۹۳). تحقیقات دیگری هم در این زمینه وجود دارد که از ذکر آن‌ها به صورت تفصیلی خودداری می‌شود. به طور کلی می‌توان گفت امتیاز این پژوهش نسبت به پژوهش‌های دیگر را در دو چیز دانست. نخستین امتیاز، در منابع تحقیق حاضر است که عمده منابع قرآن و روایات است و دومین امتیاز هم در این است که این تحقیق به طور خاص نقش حبّ و بغض در انگیزش اخلاقی را بررسی می‌کند نه این که به طور کلی در باب انگیزش و یا انگیزش اخلاقی سخن بگوید. ضرورت

این تحقیق نیز با توجه به آنچه ذکر شد که علم اخلاق از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و یکی از مسائل مهم علم اخلاق بحث انگیزش اخلاقی است و این که در مسئله مورد بحث، پژوهش خاصی انجام نشده است، روشن می‌شود از جمله فواید این تحقیق، شناخت یک مسیر انگیزشی صحیح و قوی برای تقیّد به بایدها و نبایدهای اخلاقی، افزایش مهارت‌های رفتاری برای کنترل و تغییر رفتار خود و دیگران در جهت اخلاقی زیستن، ارائه یک شیوه تربیتی صحیح به منظور پرورش اخلاقی انسان‌ها اشاره کرد. پژوهش حاضر مورد استفاده تمام انسان‌هایی است که می‌خواهند متخلّق به صفات نیکوی اخلاقی گردند و به طور ویژه، مورد استفاده گروه‌های فعال در زمینه تعلیم و تربیت و فعال در زمینه‌های فرهنگی نظیر معلمان و مربیان علم اخلاق است.

## ۱- مفهوم‌شناسی

حَبّ در لغت، مصدر و به معنای دوست داشتن و در مقابل آن، بغض مصدر و به معنای دشمنی است. فیروزآبادی حَبّ را به معنای وداد و دوستی می‌داند (فیروزآبادی، ۱۳۷۳، ۱: ۶۶) بغض ضد حَبّ است (ابن منظور، ۱۳۷۴، ۷: ۱۲۱)؛ همان‌گونه که تبغیض، تباغض و تبغض ضد تحیب، تحابب و تحبّب است (فیروزآبادی، ۱۳۷۳، ۲: ۴۹۷). ابن منظور نیز در *لسان‌العرب* نوشته است که حَبّ نقیض بغض و به معنای وداد و دوستی است (ابن منظور، ۱۳۷۴، ۱: ۲۸۹). طریحی در *مجمع‌البحرین* در توضیح این دو کلمه نوشته است که بغض ضد حَبّ و بغاضه شدیدتر از آن است (طریحی، ۱۳۷۵، ۴: ۱۹۷). حَبّ نقیض کراهت به معنای میل نفس به چیزی است که وقتی قوی باشد، عشق نامیده می‌شود (همان، ۲: ۳۲). مصطفوی درباره رابطه بغض با عداوت می‌گوید تحقیق این است که بغض ضد حَبّ است. بغض صفتی نفسانی است که وقتی شدّت پیدا کند و در مقام عمل ظاهر شود، از آن به عداوت تعبیر می‌کنند. بین بغض و عداوت عموم و خصوص من وجه است (مصطفوی، ۱۳۸۸، ۱: ۳۳۰). راغب اصفهانی می‌گوید که محبّت یعنی اراده آنچه که می‌بینی و یا می‌پنداری که خیر است و بغض خلاف محبّت است. بغض یعنی تنفّر و انزجار نفسانی و روحی از چیزی که به دوری از آن می‌انجامد (راغب اصفهانی، ۱۳۷۴: ۲۱۴). حَبّ و بغض از مفاهیم وجدانی بوده و چون وجدانیات از بدیهیات هستند، این دو مفهوم بی‌نیاز از تعریف هستند؛ اما در تعریف اصطلاحی حَبّ گفته شده است که حَبّ عبارت از انجذاب نفس انسان به سمت چیزی است که به آن میل دارد

و در مقابل، بغض نفار نفس انسان از چیزی است که از آن روی گردان باشد و به آن میلی نداشته باشد (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۴، ۹: ۴۰۷۳). حب و بغض از صفات ذو مراتب هستند (قزوینی، ۱۳۸۰: ۶۴۷)؛ یعنی حب و بغض از صفات مشکک بوده و دارای شدت و ضعف هستند. در تعابیر متعارف فارسی بالاترین درجه حب، «عشق» و بالاترین درجه بغض، «نفرت» نامیده می‌شود. نکته دیگر این که حب و بغض از مفاهیم جزئی غیر محسوس هستند (حیدری، ۱۳۸۴: ۷۳)؛ یعنی ما نمی‌توانیم حب و بغض را به صورت مستقیم و با حواس ظاهری در خارج مشاهده کنیم، بلکه از روی آثار حب و بغض به وجود آنها در خارج پی می‌بریم، البته خود شخص محب و مبغض، وجود حب و بغض در درون خود را با علم حضوری می‌باند. مطلب دیگر در مفهوم این دو، جایگاه آنها در وجود انسان است. جایگاه حب و بغض در وجود انسان قلب است (قرائتی، ۱۳۸۶: ۴۶). ابن طاووس در بیان این که بین حب به خدا و طاعت او تفاوت وجود دارد، می‌گوید: «حب الهی عمل قلب است در حالی که طاعت او عمل با جوارح ظاهری است؛ بنابراین بین دو مفهوم محبت الهی و اطاعت از او تفاوت وجود دارد زیرا کانون وجودی آنها با هم متفاوت است (ابن طاووس، ۱۳۶۵: ۱۱۲). آخرین نکته در مفهوم حب و بغض این است که وقتی این دو به عنوان صفات الهی استعمال می‌شوند، معنایی غیر از معنای عرفی دارند؛ زیرا لازمه این صفات در معنای عرفی آنها وجود انفعال نفسانی است که خداوند متعال منزّه از آن است؛ بنابراین معنای حب در خداوند، رحمت و کرامت و معنای بغض، قهاریت و انتقام است (موسوی خمینی، ۱۳۸۰: ۴۶۳).

## ۲- تاثیر حب و بغض در انگیزش اخلاقی

### ۲-۱. کافی نبودن شناخت برای ایجاد انگیزش اخلاقی و توجه به هیجانات

همان‌طور که در مقدمه مقاله بیان شد برخی منبع انگیزه را فقط شناخت می‌دانند. برخی دیگر به دنبال اموری مثل نیازهای انسان رفته‌اند. برخی به غرایز انسان‌ها توجه نموده‌اند. عده‌ای بحث الگوگیری، مشاهده و... را مطرح کرده‌اند و...؛ اما آنچه که می‌توان از جمع‌بندی تمام این نظریات به دست آورد، این است که شناخت جهت ایجاد انگیزه برای انجام کارهای خوب و اجتناب از بدی‌ها هر چند شرطی لازم است، اما کافی نیست. از اموری که بر تأثیر آنها در انگیزش اخلاقی تأکید شده است، هیجانات انسانی است که از جمله آنها می‌توان

هیجان‌های حیا، خوف، رجا، حبّ و بغض را نام برد. علامه مصباح یزدی در انسان‌شناسی در قرآن، ذیل بحث تعارض امیال انسان، این سؤال را مطرح می‌کنند که در تعارض امیال چه چیزی باعث می‌شود که انسان یک راه مشخص را انتخاب کند. سپس ایشان می‌گویند فلاسفه قائل هستند که شناخت باعث این انتخاب است. این پاسخ به صورت منطقی سؤالی در پی دارد این که اگر شناخت باعث تعیین یک راه مستقیم است، چرا ما در موارد متعددی با وجود این که می‌دانیم چیزی برای ما ضرر دارد، باز هم به سراغ انجام آن می‌رویم؟ ایشان می‌گویند از فلاسفه نقل شده است که علت این اشتباه، ضعف در شناخت است؛ ولی ایشان این مطلب را نمی‌پذیرد و می‌فرماید که ما بالوجدان در بعضی موارد نظیر جایی که به انجام دادن فعلی عادت کرده‌ایم، در درون خود می‌یابیم که با وجود علم به این که این کار به ضرر ما بوده و هیچ سودی برای ما ندارد، باز هم این فعل را انجام می‌دهیم (مصباح یزدی، ۱۳۹۲: ۱۴۸). این سخن علامه مصباح به روشنی بیانگر این مطلب است که صرف شناخت علت تامه انگیزش نیست، بلکه امور دیگری نظیر هیجان‌هایی مثل حبّ و بغض هم می‌توانند بر انگیزش تأثیرگذار باشند.

## ۲-۲. تأکید بر اهمیت حبّ و بغض در آیات و روایات

در آیات و روایات بسیاری بر اهمیت حبّ و بغض به صورت مستقیم و غیرمستقیم اشاره شده است. گاهی روایات به نحو مطلق دین را همان حبّ و بغض معرفی کرده‌اند؛ برای مثال، در روایتی به نقل از فضیل بن یسار، از امام صادق علیه‌السلام سؤال شده است که آیا حبّ و بغض، عشق و نفرت با ایمان و دین از تباطی دارد؟ امام فرمود: «آیا ایمان به جز عشق و نفرت و حبّ و بغض است؟ سپس آیه‌ای از سوره حجرات را تلاوت فرمود که مضمونش چنین است: «تحیب ایمان، کسی یا چیزی را دوست داشتن است و این دوستی و محبت در اثر پی بردن به زیبایی‌ها یا سودمندی‌های آن کس یا آن چیز پیدا می‌شود و نیز ایجاد دوستی نمودن در دل کسی به وسیله توجه دادن به خوبی، زیبایی و سودمندی یک چیزی، تحیب ایمان است»<sup>۱</sup> (کلینی، ۱۳۶۶، ۲: ۱۰۲). گاهی نیز حبّ به خداوند و بغض از دشمنان او از بسیاری اعمال بالاتر دانسته شده است؛ به عنوان نمونه در آیه ۲۳ سوره توبه آمده است: ﴿قُلْ إِنْ كَانَ آبَاؤُكُمْ

۱- عن فضیل بن یسار قال: سألت ابا عبد الله عن الحبّ و البغض امن الايمان هو فقال و هل الايمان الا الحبّ و البغض ثم تلا هذه الآية حبّ اليكم الايمان و زينته في قلوبكم، و كره اليكم الكفر و الفسوق و العصيان اولئك هم الرّاشدون.

وَأَبْنَاؤُكُمْ وَإِخْوَانُكُمْ وَأَزْوَاجُكُمْ وَعَشِيرَتُكُمْ وَأَمْوَالٌ اقْتَرَفْتُمُوهَا وَتِجَارَةٌ تَخْشَوْنَ كَسَادَهَا وَمَسَاكِنُ تَرْضَوْنَهَا أَحَبَّ إِلَيْكُمْ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَجِهَادٍ فِي سَبِيلِهِ فَتَرَبَّصُوا حَتَّى يَأْتِيَ اللَّهُ بِأَمْرِهِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ (توبه: ۲۳)؛ آری اگر شما پدران، فرزندان، برادران، زنان، خویشاوندان، اموال انباشته و جمع شده، تجارتی که از کسادى آن وحشت دارید و خانه‌هایی که به آن دل‌خوش داشته‌اید را بیش از خدا، رسول و مبارزه در راه حق دوست داشته باشید و به آنان آن‌چنان عشق ورزید که از خدا، رسول و جهاد در راه خدا غفلت ورزید، به شما بگویم که این چند روز گذرا را زندگی کنید تا امر و قضای حتمی الهی برسد و بدانید که خداوند آدم بیرون‌رفته از حقیقت آدمیت را هدایت نمی‌کند.

این آیه به خوبی نشان می‌دهد که محبت الهی باید مقدم بر تمام محبت‌ها باشد. آیت‌الله مکارم در اخلاق در قرآن، بعد از ذکر روایات مربوط به تولی و تبری می‌گوید: «از احادیث ده‌گانه بالا استفاده می‌شود که در اسلام حساب مهمی برای حبّ فی الله و بغض فی الله باز شده است تا آنجا که به عنوان افضل اعمال و نشانه کمال ایمان و برتر از نماز، روزه، حجّ، جهاد و انفاق فی سبیل الله معرفی شده است، صاحبان این صفت، پیشگامان در بهشتند و مقاماتی دارند که انبیا و شهدا به حال آن‌ها غبطه می‌خورند» (مکارم شیرازی، ۱۳۸۵، ۱: ۳۸۱).

### ۳-۲. اشاره به تاثیر حبّ و بغض در انگیزش در آیات و روایات

روش قرآن کریم در استفاده از حبّ و بغض برای تربیت انسان‌ها خود گواه بر این است که حبّ و بغض در انگیزش اخلاقی تأثیرگذار هستند. قرآن مجید در بیشتر سوره‌ها به بیان صفات حق، کارگردانی الله نسبت به آفرینش و خلقت، بیان نعمت‌های مادی و معنوی حق برخاسته، توضیح ویژگی‌های پیامبران راستین و به خصوص رهبر بزرگ اسلام و اهداف عالی آن حضرت، خصوصیات روحی و اخلاقی اش اقدام کرده و همچنین به زیبایی‌های راه الهی و این که تنها راه آزادی‌بخش، سعادت‌ساز و خوشبختی‌آفرین راه خدا است، بسنده کرده است تا خدا، رسول و راه ایشان را از طریق بیان ویژگی‌ها محبوب قلوب کرده و از راه عشق به الله، رسول و معارف دینی، مردم را به کمال انسانی هدایت نموده و آنان را از امنیت همه‌جانبه در زندگی دنیا و فیض‌گیری از نعمت‌های بهشتی در آخرت برخوردار نماید (انصاریان، ۱۳۶۸، ۱: ۹۴). بر اساس الگوی انگیزش اخلاقی در قرآن کریم می‌توان مراتب انگیزش را در سه مرحله جای داد که در پایین‌ترین مرحله سه عامل مقبولیت اجتماعی، مشاهده رفتارهای



انسان‌های اخلاق مدار و ملکه نفسانی تقوای انسان را برای انجام عمل اخلاقی برمی‌انگیزند. در مرحله بعد، عامل تمایل به آسایش اخروی به موارد گذشته اضافه می‌شود و در سومین مرحله - که بالاترین مرحله است - عامل محبت الهی افزوده خواهد شد. بنابراین طبق الگوی قرآنی محبت الهی بالاترین انگیزه انجام فعل اخلاقی است (وجدانی، ۱۳۹۵: ۱۴).

در مورد روایات هم باید گفت اشارات مختلفی وجود دارد که نشان می‌دهد حب و بغض، در انگیزش اخلاقی مؤثر است؛ به‌عنوان نمونه، امام علی علیه‌السلام در فرازی از مناجات شعبانیه می‌فرماید: «الهی، قدرتی که بدین وسیله از نافرمانی‌ات بازگردم، ندارم، مگر وقتی که برای بهره‌گیری از محبت بیدارم فرمودی و در این صورت بوده است؛ چنانکه خواستی همان‌گونه شدم» (مجلسی، ۱۳۶۳، ۹۱: ۹۷). به نظر می‌رسد تعبیر به این که محبت موجب توانایی برای انجام عمل می‌شود، در این صراحت دارد که محبت یک محرک است. به تعبیر دیگر، می‌توان گفت که محبت موجب ایجاد انگیزش است.

در روایت دیگری آمده است «أَنْتَ مَعَ مَنْ أَحَبَّتَ» (غزالی طوسی، ۱۳۸۹، ۹: ۱۴۸) یعنی تو با کسی و چیزی که دوست داری همراه هستی. گرچه ظاهر روایت در مورد ثواب و عقاب در قیامت است و مراد این است که اگر کسی یا چیزی را دوست داشته باشی، در قیامت با آن محشور خواهی شد؛ ولی دقت در این روایت نشان می‌دهد علتی که باعث می‌شود شخص با چیزی که دوست دارد، محشور شود، این است که انسان وقتی چیزی را دوست دارد، در او نیروی محرکه‌ای به وجود می‌آید که خودش را به محبوبش برساند. حال برای مثال، اگر محبوبش یک فعل اخلاقی باشد، سعی می‌کند که آن فعل را انجام دهد و اگر آن محبوب، شخصی با اخلاق حسنه باشد، باز انسان سعی می‌کند برای رسیدن به محبوبش خود را متخلق به اخلاق نیکو گرداند. در نتیجه، این همانندی که حاصل این محبت است باعث می‌شود که انسان با محبوب خود محشور شود.

همچنین روایاتی مانند حُبُّكَ لِلشَّيْءِ يُعْمِي وَيُضِمُّ (ابن بابویه، ۱۳۶۳، ۴: ۳۸۰)؛ یعنی محبت به چیزی، تو را کر و کور می‌کند. نشان از این است که محبت انسان به چیزی باعث می‌شود که انسان عاقلانه تصمیم نگیرد و تصمیمش از روی فکر نباشد. در واقع محبت باعث می‌شود که اصلاً درست فکر نکند و مانند انسان کر و کور تصمیم‌گیری کند. این روایت نیز به محرک بودن محبت برای انجام فعلی اشاره دارد که مورد رضایت محبوب است، هر چند فکر از آن نهی کند و این همان انگیزش است.

بنابراین با توجه به آنچه در مورد روش تربیتی قرآن کریم گفته شد و با توجه به روایات مذکور، می‌توان نتیجه گرفت که حبّ و بغض در ایجاد انگیزش اخلاقی مؤثر است. حال سؤال بعدی این است که کدام حبّ و بغض است که انگیزش اخلاقی ایجاد می‌کند؟ ویژگی‌های حبّ و بغض صحیح چیست؟

### ۳- بایسته‌های حبّ و بغض برای ایجاد انگیزش اخلاقی

۳-۱. وجوب تعلق گرفتن حبّ به خدا و بغض به دنیا برای ایجاد انگیزش اخلاقی  
متعلّق حبّ و بغض در تأثیر آن‌ها بر انگیزش اخلاقی بسیار مهم است. اصل وجود حبّ و بغض در انسان‌ها امری فطری است (ارفع، ۱۳۷۳، ۱: ۱۱۸)؛ یعنی تمام انسان‌ها چه خوب و چه بد دارای صفت حبّ و بغض هستند و اصل این دو هیجان، بالفطره در وجود همه انسان‌ها وجود دارد، اما وجه تمایز انسان‌های نیک از انسان‌های بد در این است که نسبت به چه چیزی محبّت دارند و یا نسبت به چه چیزی بغض و عداوت داشته و از آن متنفرند! متعلّق حبّ در دو مورد فطری است؛ اول نسبت به حبّ ذات، یعنی هر انسانی ذاتاً خودش را دوست دارد، البتّه با توجه به این که وجود ما از خدا است، در نهایت این دوستی امتداد پیدا کرده و به دوستی با خدا منجر می‌شود. مورد بعدی که فطری است حبّ به کمال و جمال است که این مورد هم با توجه به این که کامل‌ترین و زیباترین موجود خداوند متعال است، در صورتی که با شناخت خداوند متعال همراه شود، منجر به محبّت او می‌شود (معن، ۱۳۷۰: ۱۴۰)؛ به‌طور کلی می‌توان گفت متعلّق محبّت باید خداوند باشد، البتّه این به معنای انکار دوستی با مؤمنان و... نیست، بلکه مراد این است که دوستی با مؤمنان و... هم در طول دوستی با خدا است. متعلّق بغض هم باید غیر خدا باشد. در این جا هر چه غیر خدا است، به دنیا تعبیر می‌شود.

### ۳-۲. تعلق گرفتن حبّ به خداوند متعال

آیات و روایات پر از مضامین و دستورات در مورد محبّت به خداوند متعال است. در روایات ما سه گونه تعبیر درباره محبّت خداوند متعال به کار رفته است: ۱- حبّ الله، ۲- حبّ لله و ۳- حبّ فی الله که در واقع مورد اول دوستی خداوند و دو مورد بعد دوستی غیرخدا، به خاطر خدا است. در واقع دوستی خداوند یعنی دوستی خوبی‌ها و ارزش‌ها، اخلاق و کمال؛ زیرا خداوند کامل‌ترین و زیباترین موجود است و این گونه است که محبّت به خدا

محركی بزرگ در انجام افعال اخلاقی است؛ زیرا کسی که خداوند را دوست دارد سعی می‌کند تا می‌تواند موجبات رضایت او را فراهم آورد و رضایت خداوند هم در انجام اعمال صالح است. در آیات بسیاری با اشاره انسان را به محبت خداوند دعوت کرده است؛ برای مثال، با ذکر نعم الهی به انسان یادآور می‌شود که باید خداوند را دوست بدارد؛ چراکه تمام نعمت‌های انسان از او است. در آیاتی هم به این مطلب تصریح شده است؛ مانند آیه ۱۶۵ سوره بقره که تصریح می‌فرماید کسانی که ایمان دارند محبت بیشتری نسبت به خداوند دارند: ﴿وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَتَّخِذُ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَنْدَادًا يُحِبُّونَهُمْ كَحُبِّ اللَّهِ وَالَّذِينَ آمَنُوا أَشَدُّ حُبًّا لِلَّهِ وَلَوْ يَرَى الَّذِينَ ظَلَمُوا إِذْ يَرُونَ الْعَذَابَ أَنَّ الْقُوَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا وَأَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعَذَابِ﴾ (بقره: ۱۶۵)؛ بعضی از مردم، معبودهایی غیر از خداوند برای خود انتخاب می‌کنند و آن‌ها را همچون خدا دوست می‌دارند. اما آن‌ها که ایمان دارند، عشقشان به خدا (از مشرکان نسبت به معبودهاشان) شدیدتر است و آن‌ها که ستم کردند (و معبودی غیر خدا برگزیدند)، هنگامی که عذاب (الهی) را مشاهده کنند، خواهند دانست که تمام قدرت، از آن خدا است و خدا دارای مجازات شدید است (نه معبودهای خیالی که از آن‌ها می‌هراسند)؛ همچنین در آیه دیگری از قرآن در حالی که قومی را ستایش می‌کند، یکی از ویژگی‌های آن قوم را محبت به خداوند متعال معرفی می‌کند: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهَ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ أَذِلَّةٌ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٌ عَلَى الْكَافِرِينَ يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ﴾ (مائده: ۵۴)؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، هر کس از شما از آیین خود بازگردد، (به خدا زبانی نمی‌رساند)؛ خداوند جمعیتی را می‌آورد که آن‌ها را دوست دارد و آنان (نیز) او را دوست دارند، در برابر مؤمنان متواضع و در برابر کافران سرسخت و نیرومندند؛ آن‌ها در راه خدا جهاد می‌کنند و از سرزنش هیچ ملامت‌گری هراس ندارند. این، فضل خدا است که به هر کس بخواهد (و شایسته بیند) عطا می‌کند و (فضل) خدا وسیع و خداوند دانا است.

امیر مؤمنان علیه‌السلام در قسمتی از مناجات شعبانیه می‌فرماید: «وَيَا غَايَةَ آمَالِ الْمُحِبِّينَ أَسْأَلُكَ حُبَّكَ وَحُبَّ مَنْ يُحِبُّكَ وَحُبَّ كُلِّ عَمَلٍ يُوَصِّلُنِي إِلَى قُرْبِكَ وَأَنْ تُجْعَلَ أَحَبَّ إِلَيَّ مِمَّا سِوَاكَ» (مجلسی، ۱۳۶۳، ۹۱: ۱۴۹)؛ ای نهایت آرزوی عارفان، از تو دوستی تو، دوستی هر کسی که تو را دوست دارد و دوست داشتن هر عملی که من را به قرب تو می‌رساند، تقاضا می‌کنم و این که خودت را برای من دوست‌داشتنی‌تر از غیر خود قرار دهی.

همچنین ایشان در قسمتی از خطبه وسیله<sup>۱</sup> می فرماید: «طوبی لمن أخلص لله عمله وعلمه وحبه وبغضه وأخذه وتركه وكلامه وصمته وفعله وقوله» (مجلسی، ۱۳۶۳، ۷۴: ۲۸۹)؛ خوشا به حال کسی که عمل و علم، دوستی و دشمنی، گرفتن و رها کردن، سخن و سکوت و فعل و قولش را برای خدا خالص کند. خوش به حال کسی که حبّ و بغضش برای خدا باشد:

### ۳-۳. تعلق گرفتن بغض به دنیا

در آیات و روایات بسیاری حبّ دنیا مذموم شمرده شده است تا جایی که در بعضی از روایات، محبّت به دنیا ریشه تمام گناهان و اشتباهات دانسته شده است. در واقع کسی که محبّت به دنیا دارد، دنیا عامل حرکت و انگیزه او می شود و چون در مواردی به طور قطع تعارض بین خواسته های دنیایی و وظایف اخلاقی پیش می آید، چنین شخصی در این موارد از صراط مستقیم منحرف شده و وظایف اخلاقی اش را انجام نخواهد داد.

در بعضی از آیات قرآن، خداوند متعال زندگی دنیا را زینتی برای کافران معرفی کرده است (بقره: ۲۱۲). در آیات دیگری می فرماید که زندگی دنیا و امور دنیایی برای همه انسان ها زینت داده شده است، ولی آنچه نزد خداوند هست، بهتر است (آل عمران: ۱۵ و ۱۶؛ اعراف: ۱۶۹؛ یونس: ۵۸؛ قصص: ۶۰ و ۶۱). در آیات دیگر قرآن کریم خداوند متعال دنیا را عامل فریب و گمراهی انسان ها معرفی می کند (انعام: ۳۲؛ یونس: ۸۸؛ ابراهیم: ۳)؛ همچنین در آیات دیگر می فرماید که فرجام کسانی که به دنیا گرویده اند، آتش و جهنم است؛ مانند آیات ﴿زُيِّنَ لِلنَّاسِ حُبُّ الشَّهَوَاتِ مِنَ النِّسَاءِ وَالْبَنِينَ وَالْقَنَاطِيرِ الْمُقَنْطَرَةِ مِنَ الذَّهَبِ وَالْفِضَّةِ وَالْخَيْلِ الْمُسَوَّمَةِ وَالْأَنْعَامِ وَالْحَرْثِ ذَلِكَ مَتَاعُ الدُّنْيَا وَاللَّهُ عِنْدَ حَسَنِ الْمَالِ﴾ (آل عمران: ۱۴)؛ محبّت امور مادی، از زنان و فرزندان و اموال هنگفت از طلا، نقره، اسب های ممتاز، چهارپایان و زراعت، در نظر مردم جلوه داده شده است (تا در پرتو آن، آزمایش و تربیت شوند؛ ولی) این ها (در صورتی که هدف نهایی آدمی را تشکیل دهند) سرمایه زندگی پست (مادی) است و سرانجام نیک (و زندگی والا و جاویدان) نزد خدا است و ﴿وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَعِبٌ وَلَهْوٌ وَلَكُلُّ دَارٍ آخِرَةٌ خَيْرٌ لِلَّذِينَ يَتَّقُونَ أَفَلَا تَعْقِلُونَ﴾ (انعام: ۳۲)؛ زندگی دنیا، چیزی جز بازی و سرگرمی نیست! و سرای آخرت، برای آن ها که پرهیزگارند، بهتر است. آیا نمی اندیشید!؟

۱- از خطبه های منسوب به امام علی (ع) است که هفت روز پس از وفات پیامبر اسلام (ص) در مدینه ایراد شد و به جهت سخن گفتن از «وسیله»، به خطبه وسیله مشهور شده است.

در روایات بسیاری هم به این که دنیا سبب گمراهی انسان و دور شدن او از مسیر صحیح است، اشاره شده است. در روایات زیادی، دنیا ریشه تمام گناهان دانسته شده است (کلینی، ۱۳۶۶، ۲: ۳۱۵). علامه مجلسی در بحارالانوار ذیل روایتی که ریشه تمام اشتباهات را محبت به دنیا می‌داند، می‌فرماید: «این که محبت به دنیا ریشه تمام اشتباه‌های دانسته شده است به این علت است که تمام خصلت‌های شر در حب دنیا پیچیده شده است و تمام ذمائم قوه شهویه و غضبیه در ذیل میل به دنیا مندرج است (مجلسی، ۱۳۶۳، ۷۰: ۷)؛ بنابراین این دنیا است که منشأ تمام اشتباه‌های است. ایشان در ادامه بیان می‌کند که راه خلاصی از حب دنیا، تنها این است که علم به زشتی‌های دنیا و منافع آخرت را در وجود خود تقویت کنیم و با تصفیه نفس، در راه تعدیل قوه شهویه و غضبیه بکوشیم.

تعداد روایات در باب مذمت دنیا بسیار زیاد است و حتی در کتاب‌های معروف حدیثی شیعه و سنی بابی به مذمت دنیا اختصاص داده شده است که ذکر همه آن‌ها از حوصله این پژوهش خارج است و برای اطلاع از آن‌ها باید به کتب حدیثی موجود مراجعه کرد. در اینجا تنها به دو مورد اشاره می‌شود. امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید: «رَأْسُ كُلِّ خَطِيئَةٍ حُبُّ الدُّنْيَا» (کلینی، ۱۳۶۶، ۲: ۳۱۵)؛ محبت به دنیا ریشه تمام گناهان است؛ همچنین از امام سجاده<sup>(ع)</sup> پرسش شد که کدام عمل نزد خدا عزوجل بهتر است؟ در پاسخ فرمود: هیچ عملی بعد از معرفت خداوند عزوجل و معرفت رسول خدا، بهتر از بغض دنیا نیست. به راستی برای آن تیره‌های بسیار است و برای گناهان هم تیره‌های بسیار است، نخست چیزی که برای آن، خدا نافرمانی شد، کبر و بزرگ‌منشی است که نافرمانی شیطان است، هنگامی که سر باز زد و بزرگی به خود بست و از کافران گردید و دیگر، حرص است که گناه آدم و حوا است، هنگامی که خدا عزوجل به آن‌ها فرمود «بخورید از هر جا خواهید و نزدیک این درخت نروید تا از ستمکاران شوید» (بقره: ۲۵) و آن‌ها از چیزی که بدان نیازی نداشتند برگرفتند و این حرص در نژاد آن‌ها تا روز قیامت به جا ماند و این برای آن است که بیشتر چیزی که آدمی زاده می‌جوید آن است که بدان نیازی ندارد، سپس حسد است که گناه پسر آدم است، هنگامی که به برادرش حسد برد و او را کشت و از این حب زنان، حب دنیا، حب ریاست، حب راحت [طلبی]، حب سخنوری و حب آقایی و ثروتمندی منشعب گردید و هفت خصلت شدند. همه در حب دنیا گرد آمدند و پیغمبران و دانشمندان پس از دانستن آن گفتند که دوستی دنیا رأس هر گناهی است. دنیا دو تا است، یکی برای رفع ضرورت زندگی و دیگر

دنیای ملعون و نفرین شده است (کلینی، ۱۳۶۶، ۲: ۳۱۶).

با توجه به آیات و روایات مذکور، این نکته استفاده می‌شود که انسانی که قلبش از محبت به دنیا مملو باشد، نیروی محرک که خود را برای انجام اعمال خیر از دست می‌دهد و برعکس در وجود او محرکی قوی برای انجام اعمال شر به وجود می‌آید. همچنین باید به این نکته دقت کرد که آنچه از آن نهی و مذمت شده است، محبت و حرص نسبت به دنیا و امور مادی و دنیوی است، و گرنه در مقابل، آیات و روایاتی هست که ما را به استفاده از زینت‌های الهی‌ای که خداوند در این دنیا برای ما قرار داده است، دعوت می‌کند. همچنین در روایات دیگری، به آباد کردن دنیا دعوت شده است که این خود نشان می‌دهد که دنیا به خودی خود بد نیست، ولی باید مراقب بود که شیفته و فریفته آن نشویم.

#### ۴-۳. ضرورت همراهی حب و بغض برای ایجاد انگیزش اخلاقی

بحث همراهی حب و بغض در منابع اسلامی را می‌توان ذیل مبحث تولی و تبری جست‌وجو کرد. تولی و تبری، دو اصل مهم در دین اسلام است که هم در آیات و هم در روایات منعکس شده است. در واقع تولی همان دوستی با خدا و دوستان خداوند و تبری، دشمنی با دشمنان خدا است. بنابراین به نحوی می‌توان تولی را بر حب و تبری را بر بغض منطبق کرد. با توجه به این که آیات و روایات مربوط به دوستی و محبت را ذکر کردیم، در این جا نگاه کوتاهی به آیات و روایات مربوط به تبری انداخته می‌شود.

در قرآن کریم در مواردی بحث دشمنی و بغض با دشمنان خدا و پیامبر مطرح شده است که در این جا یک آیه ذکر می‌شود: ﴿لَا تَجِدُ قَوْمًا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ يُوَادُّونَ مَنْ حَادَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَوْ كَانُوا آبَاءَهُمْ أَوْ أَبْنَاءَهُمْ أَوْ إِخْوَانَهُمْ أَوْ عَشِيرَتَهُمْ...﴾ (مجادله: ۲۲)؛ هیچ قومی که به خدا و روز رستاخیز ایمان دارند را نمی‌یابی که با دشمنان خدا و رسولش دوستی کنند، هر چند پدران یا فرزندان یا برادران یا خویشاوندانشان باشند.

در روایات هم در موارد متعددی به این اصل تأکید شده است که به ذکر یک مورد بسنده می‌شود: «أَمْرًا رَسُولُ اللَّهِ أَنْ نَلْقَى أَهْلَ الْمَعْصِيَةِ بِوُجُوهِ مَكْفَهَرَةٍ» (عاملی، ۱۳۶۷، ۱۱: ۴۰۹)؛ پیامبر خدا به ما فرمان داده است که با گنه کاران با چهره گرفته روبه‌رو شویم.

در نتیجه، می‌توان گفت همان گونه که محبت می‌تواند محرکی برای انجام اعمال خیر باشد. بغض هم می‌تواند وسیله‌ای برای ایجاد انگیزه نسبت به دفع افعال شر باشد و اصلاً وجود

بغض ضروری است. اگر ما نسبت به افعال شر و انسان‌های شرور هیچ‌گونه بغضی نداشته باشیم، انگیزه خود برای دوری از شرور را از دست می‌دهیم. باید دقت کنیم که در این مسیر، راه افراط و تفریط را پیش نگیریم، نه مانند برخی از فرقه‌های مسلمان، جانب افراط را در بغض پیش بگیریم و نه مانند برخی از مکاتب غیراسلامی قائل به این شویم که باید نسبت به همه کس با محبت برخورد کرد. مسیر صحیح از نظر دین اسلام راه وسط و اعتدال است؛ یعنی باید هم دوستی و هم دشمنی باشد؛ ولی باید اعتدال را در هر دو مورد رعایت کرد.

#### ۴- آثار و پیامدهای حبّ و بغض صحیح

با توجه به آنچه گفته شد که حبّ صحیح همان حبّ الله، حبّ لله و حبّ فی الله است و بغض هم باید به خاطر خدا باشد، در اینجا آثار حبّ و بغض به خاطر خداوند بیان می‌شود. حبّ به خاطر خداوند پیامدها و آثار زیادی دارد که در ادامه به پنج اثر آن اشاره می‌شود.

۱-۴. اطاعت از خدا و استقامت در راه او

این اثر، مهم‌ترین اثر عملی حبّ خداوند متعال است. کسی که خداوند متعال را دوست دارد، به طور قطع از دستورات او اطاعت خواهد کرد؛ چراکه عاشق به دنبال این است که موجبات رضایت محبوب خود را فراهم آورد و رضایت محبوب هم در امتثال اوامر او حاصل می‌شود. با توجه به این که طبق آیات قرآن، اطاعت از دستورات پیامبر همان اطاعت از خداوند است. اگر خداوند را دوست دارید باید از دستورات پیامبر اطاعت کنید. خداوند متعال در آیه ۳۱ سوره آل عمران می‌فرماید: ﴿قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ﴾ (آل عمران: ۳۱)؛ بگو: اگر خدا را دوست می‌دارید، از من پیروی کنید! تا خدا (نیز) شما را دوست بدارد و گناهانتان را ببخشد و خدا آمرزنده مهربان است.

در روایتی از امام صادق علیه‌السلام می‌خوانیم که اگر کسی خداوند را دوست داشته باشد، معصیت او را انجام نمی‌دهد: «آیا اظهار محبت الهی می‌کنی؛ درحالی که معصیت او را انجام می‌دهی؟! به جانم قسم که این بدعت در فعل است. اگر دوستی و محبت واقعی راست بود، به طور قطع از خداوند اطاعت می‌کردی، چراکه انسان عاشق مطیع محبوب خود است»<sup>۱</sup> (معن، ۱۳۷۰: ۱۴۱).

۱- تعصی الإله و أنت تظهر حبه هذا لعمری فی الفعال بدیع لو كان جبك صادقا لأطعته إن المحب لمن أحب مطیع.

## ۲-۴. راضی بودن در برابر خواست خداوند متعال

این اثر که در آیات و روایات ما از آن به رضای در مقابل قضای الهی تعبیر شده است، پیامدی بسیار مهم است که بر محبت الهی مترتب می شود. کسی که خداوند را دوست دارد، هر چه که خدا برای او مصلحت بداند - هر چند در ظاهر بسیار برای او سخت باشد - را می پذیرد. امام حسین در لحظات آخر عمر خود در روز عاشورا با آن همه مصیبت های شدید و عظیم باز به خداوند متعال عرض می کند: «خداوندا به رضایت تو راضی ام و در مقابل قضای تو تسلیم هستم.» (مقرم، ۱۳۸۳: ۳۵۷)

یکی از ویژگی های حزب الله این است که آن ها از خدا و خداوند هم از آن ها راضی هستند. خداوند متعال در بیان ویژگی های حزب الله می فرماید: ﴿رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ أُولَئِكَ حِزْبُ اللَّهِ أَلَا إِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْمُفْلِحُونَ﴾ (مجادله: ۲۲)؛ خدا از آن ها خشنود است و آنان نیز از خدا خشنودند. آن ها «حزب الله» هستند. بدانید که «حزب الله» پیروز و رستگار است.

## ۳-۴. انس با خداوند و دوست داشتن ذکر و یاد او

انسان عاشق دوست دارد همواره در کنار محبوبش باشد، با او سخن بگوید، با او خلوت کند، با او درد دل کند و به طور کلی به هر صورتی که شده است احساس قرب به او داشته باشد. امام حسین علیه السلام در شب عاشورا وقتی مشاهده می کند که لشکر دشمن آماده جنگ شده است، از آن ها یک شب را مهلت می گیرد تا با خداوند راز و نیاز کند و می فرماید که من نماز، دعا، تلاوت قرآن و ذکر خداوند را دوست دارم (مجلسی، ۱۳۶۳، ۴۴: ۳۹۲). شیخ مفید در الارشاد نقل می کند که امام کاظم علیه السلام هنگامی که در زندان بود، زیاد این دعا را تلاوت می فرمود: «اللَّهُمَّ أَنْتَ تَعَلَّمْنِي كُنْتُ أَسْأَلُكَ أَنْ تُفَرِّغَنِي عِبَادَتِكَ»؛ خداوندا تو می دانی که من از تو تقاضا کردم که وقت من را برای عبادت خودت خالی گردانی. سپس می گوید حضرت بیشتر روزها روزه بود و معمولاً در محراب عبادت بود. تمام شب را مشغول به نماز، دعا، قرائت قرآن، شب زنده داری و.. بود (مفید، ۱۳۷۱، ۲: ۲۴۰).

## ۴-۴. دوستی با دوستان خدا و مؤمنان

نمی شود انسان کسی را دوست داشته باشد، ولی نسبت به دوستان او محبتی نداشته باشد؛ زیرا اولاً همان طور که گفته شد عاشق به دنبال کسب رضایت محبوب خود است و رضایت محبوب در این است که با دوستان او دوستی کنی و ثانیاً معمولاً بین دوستان وجوه اشتراک



فراوانی وجود دارد و هر چیزی که باعث شده است انسان کسی را دوست بدارد، سبب دوست داشتن دوست‌های او نیز می‌شود. خداوند متعال در توصیف یاران پیامبر گرامی اسلام می‌فرماید با یکدیگر مهربان هستند. ﴿وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ﴾ (فتح: ۲۹)؛ و کسانی که با او هستند در برابر کفار سرسخت و شدید و در میان خود مهربانند.

#### ۵-۴. محبت متقابل خداوند به بندگان

شاید بزرگ‌ترین اثر و پاداش محبت انسان به خداوند این باشد که متقابلاً خداوند متعال هم آن‌ها را دوست خواهد داشت. خداوند در قرآن دوستی خویش را به صراحت نسبت به مجاهدان، نیکوکاران، بسیار توبه‌کنندگان، پرهیزگاران، عدالت‌پیشگان، صابران، پاکان و مطهران و توکل و اعتمادکنندگان به پروردگار، اعلام می‌دارد (صف: ۴؛ بقره: ۱۹۵ و ۲۲۲؛ آل عمران: ۷۶، ۱۴۶ و ۱۵۹؛ مائده: ۴۲؛ توبه: ۱۰۸) و «قل ان كنتم تحبون الله فاتبعوني يحببكم الله» (آل عمران: ۳۱)؛ بگو اگر خدا را دوست می‌دارید (عاشق خدا هستید)، از من پیروی کنید تا او نیز شما را دوست بدارد (عاشق شما شود).

#### نتیجه‌گیری

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که هیجان‌های انسانی در ایجاد انگیزش اخلاقی دارای اهمیت هستند. در این میان، نقش دو هیجان حبّ و بغض اهمیت ویژه‌ای دارد. این مطلب هم از آیات قرآن کریم و روایات و هم از روش تربیتی قرآن کریم و روشی که اهل بیت برای تربیت استفاده می‌کردند، استفاده می‌شود؛ همچنین دانش روز روان‌شناسی آن را تأیید می‌کند. حبّ و بغض برای این که انگیزش اخلاقی ایجاد کند، باید شرایطی را دارا باشد؛ از جمله این که آن‌ها باید به خداوند تعلق بگیرند؛ یعنی انسان‌ها هر چه دوست دارند، برای خداوند دوست بدانند و از هر چه نفرت دارند، برای خداوند نفرت داشته باشند. از طرف دیگر، این دو هیجان باید با هم همراه باشند تا بتوانند انگیزش اخلاقی ایجاد کنند. وجود یکی از این دو به تنهایی، نه تنها انگیزشی برای فعل اخلاقی ایجاد نمی‌کند، بلکه می‌تواند سبب بسیاری از شرور باشد. در صورتی که حبّ و بغض صحیح باشد و ویژگی‌های مورد نیاز را دارا باشد، پیامدهای مثبتی در بردارد؛ از جمله اطاعت از خدا و استقامت در راه او، راضی بودن در برابر خواست خداوند متعال، انس با خداوند و دوست داشتن ذکر و یاد او، دوستی با دوستان خدا و مؤمنان و محبت متقابل خداوند به بندگان.

## فهرست منابع

### \* قرآن کریم

- ۱- ابن بابویه، محمد بن علی، (۱۳۶۳)، من لایحضره الفقیه، قم، انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- ۲- ابن مسکویه، احمد بن محمد، (۱۳۶۶)، تهذیب الاخلاق و تطهیر الاعراق، قم، انتشارات بیدار.
- ۳- ابن منظور، محمد بن مکرم، (۱۳۷۴)، لسان العرب، چاپ سوم، بیروت، دار صادر.
- ۴- ارفع، کاظم، (۱۳۷۳)، اخلاق در قرآن، تهران، انتشارات فیض کاشانی.
- ۵- انصاریان، حسین، (۱۳۶۸)، فروغی از تربیت اسلامی، تهران، انتشارات مفید.
- ۶- جمعی از نویسندگان، (۱۳۸۴)، موسوعه نصره النعیم فی مکارم اخلاق الرسول الکریم صلی الله علیه و سلم، جده، انتشارات دار الوسیلة.
- ۷- حرعاملی، محمد بن حسن، (۱۳۶۷)، تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، قم، انتشارات موسسه آل البيت علیهم السلام.
- ۸- حیدری کمال، (۱۳۸۴)، بحوث فی علم النفس فلسفی، قم، انتشارات دار فراق.
- ۹- دکامی، محمد جواد و اسلامی اردکانی، سیدحسن، (۱۳۹۳)، «حبّ و عشق الهی و نقش آن در انگیزش اخلاقی از دیدگاه ابو حامد غزالی»، نشریه پژوهش های اخلاقی، ش ۱۷، ص ۴۱-۵۵.
- ۱۰- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، (۱۳۷۴)، مفردات الفاظ القرآن، بیروت، انتشارات دارالشامیه.
- ۱۱- طبرسی، فضل بن حسن، (۱۳۶۵)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران، انتشارات ناصر خسرو.
- ۱۲- طریحی، فخرالدین بن محمد، (۱۳۷۵)، مجمع البحرین، چاپ سوم، تهران، مرتضوی.
- ۱۳- علی بن موسی، ابن طاووس، (۱۳۶۵)، فلاح السائل، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
- ۱۴- غزالی طوسی، محمد بن محمد، (۱۳۹۲)، احیاء علوم الدین، تهران، انتشارات شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- ۱۵- فیروزآبادی، محمد بن یعقوب، (۱۳۷۳)، القاموس المحیط، چاپ اول، بیروت، دارالکتب العلمیه.
- ۱۶- فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی، (۱۳۷۵)، المحجّه البیضاء فی تهذیب الاحیاء، چاپ چهارم، قم، انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- ۱۷- قرائتی، محسن، (۱۳۸۶)، گناه شناسی، تهران، انتشارات مرکز فرهنگی درس هایی از قرآن.
- ۱۸- قزوینی، محمدحسن بن محمد معصوم، (۱۳۸۰)، کشف الغطاء عن وجوه مراسم الإهتداء، قم، انتشارات کنگره بزرگداشت محققان ملا مهدی و ملا احمد نراقی.
- ۱۹- کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۳۶۶)، الکافی، تهران، انتشارات دارالکتب الاسلامیه.
- ۲۰- کوثری، یدالله، (۱۳۸۶)، «حبّ و بغض در تحلیلی روان شناختی با نگاهی به آیات و روایات»، معرفت، ش ۱۱۲، ص ۱۲۵-۱۴۲.
- ۲۱- مارشال ریو، جان، (۱۳۸۷)، انگیزش و هیجان، ترجمه: یحیی سیدمحمدی، تهران، نشر ویرایش.

- ۲۲- مجلسی، محمد باقر، (۱۳۶۳)، بحار الانوار الجامعه لدرر اخبار ائمه الاطهار، چاپ اول، بیروت، انتشارات دار احیاء التراث العربی.
- ۲۳- مصطفوی حسن، (۱۳۸۸)، التحقيق فی کلمات القرآن الکریم، چاپ سوم، بیروت، دارالکتب العلمیه، مرکز نشر آثار علامه مصطفوی.
- ۲۴- معن، حسین، (۱۳۷۰)، نظرات فی الاعداد الروحی، لبنان، انتشارات موسسه العارف للمطبوعات
- ۲۵- مفید، محمد بن محمد، (۱۳۷۱)، الإرشاد فی معرفه حجج الله علی العباد، چاپ اول، قم، انتشارات کنگره شیخ مفید.
- ۲۶- مقرر، عبدالرزاق، (۱۳۸۳)، مقتل الحسین<sup>(ع)</sup>، بیروت، مؤسسه الخرسان للمطبوعات.
- ۲۷- مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۸۵)، اخلاق در قرآن، قم، انتشارات مدرسه الإمام علی بن ابی طالب (علیه السلام).
- ۲۸- موسوی خمینی، روح الله، (۱۳۸۰)، شرح چهل حدیث، چاپ بیست و چهارم، قم، انتشارات مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- ۲۹- وجدانی، فاطمه، (۱۳۹۵)، «تدوین الگوی منابع انگیزش اخلاقی در قرآن (بر اساس تفسیر المیزان)»، فصلنامه علوم تربیتی از دیدگاه اسلام، ش ۷، ص ۵-۲۰.
- ۳۰- هیلگارد، ارنست و دیگران، (۱۳۹۹)، زمینه روان شناسی، چاپ چهلیم، ترجمه: محمدنقی براهنی و دیگران، تهران، انتشارات رشد.

## REFERENCES

\* The Holy Quran

- 1- Ibn Babawaih, Muhammad ibn Ali (Sheikh Saduq), (1413 A.H), Man la Yahzuruhu'l Faqeeh, Qom, Jamia al-Mudarrisin Publications.
- 2- Ibn Miskawayh, Ahmad bin Muhammad, (1413 A.H), Tahzibu'l Akhlaq and Tathiru'l A'raq, 1st Edition, Qom, Bidar.
- 3- Ibn Manzur, Muhammad ibn Mukram, (1374), Lisan al-Arab, 3rd Edition, Beirut, Dar Sader.
- 4- Arfa, Kazem, (1373), Ethics in the Quran, Tehran, Feyz Kashani Publications.
- 5- Ansarian, Hossein, (1989), A Light from Islamic Education, Tehran, Mofid Publications.
- 6- A group of writers, (1384), Encyclopedia of Nadrat al-Naeem fil Makarim Akhlaq al-Rasul al-Karim (S.A.A), Jeddah, Dar Al-Waseela Publications.
- 7- Hurr al-Amoli, Muhammad ibn Hasan, (1367), Tafsil Wasail al-Shia ila Tahsil Masail al-Sharia, Qom, Publications of the Institute of Alu'l-Bayt (A.S).
- 8- Heidari, Kamal, (2005), Buhuth fil Ilm al-Nafs al-Falsafi, Qom, Faraqid Publications.
- 9- Dekami, Mohammad Javad and Islami Ardakani, Seyed Hassan, (2014), Divine love and its role in moral motivation from the perspective of Abu Hamed Ghazali, Journal of Ethical Research, Vol. 17, pp. 41-55.
- 10- Ragheb Isfahani, Hussein Ibn Mohammad, (1374), Mufradat Alfaz al-Quran, Beirut, Dar al-Shamiya Publications.
- 11- Tabarsi, Fazl Ibn Hassan, (1365), Majma 'al-Bayan fi Tafsir al-Quran, Tehran, Naser Khosrow Publications.
- 12- Tarihi, Fakhruddin bin Muhammad, (1375), Majma al-Bahrain, 3rd Edition, Tehran, Mortazavi.
- 13- Ali Ibn Musa, Ibn Tawus, (1365), Falah al-Sa'il, Qom, Publications of the Office of Islamic Propaganda of the Seminary of Qom.
- 14- Ghazali Tusi, Mohammad Ibn Mohammad, (2013), Ihya Olum al-Din, Tehran, Scientific and Cultural Publishing Company.
- 15- Firoozabadi, Mohammad Ibn Yaqub, (1373), Al-Qamoos Al-Mohit, 1st Edition, Beirut, Dar Al-Kitab Al-Ilmiyyah.
- 16- Faiz Kashani, Mohammad Ibn Shah Morteza, (1375), Al-Mahajjat al-Bayda fi Tahzib al-Ahya, 4th Edition, Qom, Publications of Jamia al-Modarresin of Hawza.
- 17- Qiraati, Mohsen, (2007), Sinology, Tehran, Cultural Center Publications of Lessons from the Quran.
- 18- Qazvini, Mohammad Hasan ibn Mohammad Masoom, (2001) Kashf al-Ghta' an Wijooth Marasim al-Ihtida', Qom, Commemoration Congress of the Researchers Molla Mahdi and Molla Ahmad Naraqj.
- 19- Kolaini, Mohammad Ibn Yaqub, (1366), Al-Kafi, Tehran, Dar Al-Kutub Al-Islamiya Publications.
- 20- Kowsari, Yadollah, (2007), Love and Hatred in a Psychological Analysis with a Look at Verses and Hadiths", Ma'rifat, Vol. 112, pp. 125-142.
- 21- Marshall Rio, John, (2008), Motivation and Excitement, translated by: Yahya Seyed Mohammadi, Tehran, Virayesh Publishing.
- 22- Majlisi, Mohammad Baqir, (1363), Bahar al-Anvar Al-Jame'a li Durar A'imma al'Athar, 1st

Edition, Beirut, Dar Ihya Al-Tarath Al-Arabi.

23- Mustafawi Hasan, (1388), Al-Tahqiq fi Kalimat al-Quran al-Karim, 3rd Edition, Beirut, Dar al-Kitab al-Ilmiyya, Al-Mustafawi Publishing Center.

24- Ma'an, Hussein, (1370), Nazarat fi al-l'dad al-Ruhi, Lebanon, Al-Arif Institute Publications Press

25- Mofid, Mohammad Ibn Mohammad, (1371), Al-Irsahd fi Ma'rifeti Hujajillah ala'l Ibad, 1st Edition, Qom, Sheikh Mofid Congress Publications.

26- Muqram, Abdul Razzaq, (1383), Maqatal al-Hussein (AS), Beirut, Al-Khursan Foundation for Press.

27- Makarem Shirazi, Naser, (2006), Ethics in the Quran, Qom, School of Imam Ali Ibn Abi Talib (A.S) Publications.

28- Mousavi Khomeini, Ruhollah, (2001), Sharh of Forty Hadiths, 24th Edition, Qom, Imam Khomeini Publishing House.

29- Vejdani, Fatemeh, (2016), Development of a model of sources of moral motivation in the Qur'an (based on the interpretation of Al-Mizan), Quarterly Journal of Educational Sciences from the perspective of Islam, Vol. 7, pp. 5-20.

30- Hilgard, Ernest et al., (1399), Psychology, 40th Edition, translated by: Mohammad Naghi Baraheni et al., Tehran, Roshd Publications.

